

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش

نامه تفصیلی

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۸ مرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۲۳

تلگراف رؤسای عشایر

اورامان و مریوان

مگر ایران ۴ استان خواهد شد

ساعت مقدس مجلس - ریاست وزراء - نمایندگان دول متفق
مقیم ایران - هیئت وزیران - ستاد ارتش - ستاد آقای آصف
جناب آقای اردلان - جناب آقای مستندی - جناب آقای نجادبان
جناب آقای امیرچنگ - جناب مستطاب آقای آیت الله مردوخ - جناب آقای صدر
قاضی - جناب آقای مدیر محترم نامه کوهستان - تماماً متدبیر مقاله تقدیمی
بدون حذف کلیات بدوچ آنرا بدو ورود در نامه محترم مبادرت
فرماید .

کراراً مقاصد شوم سرپیچ هوشند افشار بوسایل مختلف فریاد
شود ایم . از بدبختی عطف توجهی نشد مگر ماسخ حیات وزندگی
هداریم کدام آیین تلغ و تلغ ما را تجویز . در این موقع کسب و جمع
آوری محصول زنده فی سالیانه سرپیچ هوشند افشار بوسیله توپ و طیاره
و مسلسل و اختراعهای ارسالی مردم این دو بلوک مریوان و اورامان
هر یک فرد فرد بزرگ تهدید از جمله نواحی بنا با اعلامیه منتشره سرپیچ
هوشند افشار می و پنج نفر زارع را با سواران مسلسل و توپ معلوم
لکن شرم ندارد که زارعان کشته شده در این دو گندم و جو قریب یک
صدویست نفر بوسایل ،

شاه بیچاره او بیایاها مباحث میکنند که شاههای همه ای
ایرانی بیچاره را خراب نودمانند .
افسوس محکمه ای نیست اظهارات شایمان را رسیدگی کند
تامین شود حق با کیست . خیانت چیست و خدمت کدام است .
هنوز هم زیاد وقت نگذشت لجاجت نکنید به خطای خود
اعتراف نمایید .

مطمئن باشید در این مملکت مرجعی نیست که شمارا تعقیب کند .
گناه شما مانند تمام غفلت های دیگران فراموش خواهد شد دست از
برادر کشی بردارید بیهوده سربازا ایرانی را بر علیه ایرانی بکشید و کشتار تشویق
نکنید سعی کنید بجای ایجاد کینه و دشمنی مصیبت دودستی برقرار
شود آرزو و آمال شما این باشد که نظامی کرد را برادر خود کرد
نظامی محافظ حدود و ثغور مملکتی بداند سعی کنید بجای این که اینها
را بجان هم بیاندازید و قوای داخلی را ضعیف بنائید ایشان را متصد
کنید بر علیه دشمنان خارجی مبارزه کنند شما هر وقت که جراحات
ناخوشی ای التیام یافته با دشته زهر آگین خود زخم را تازه تر کرده
از این هیکل تحیف ایران خونها جاری می کنید .

بباید این ایران بیچاره را بیزشکان مجری بسیاری تا برای
هر عارضه مفسد دیگری خون گیری تجویز نکنند . این بیاد مشرف
ببوت احتیاج بیستاری و تنبوت دارد داروهای مفهده علاج درد او
را نینباید امروز روزی نیست که امثال مرحوم بزرگ احدی بتواند
او را از مرگ نجات دهند .

اعلامیه های ستاد ارتش

قانع گندلا نیست

به دیدگاه ملت حقیقت باید عرضه داشت

هفته گذشته درباره جنگهایی که در
کرده ستان در جریان است ستاد ارتش دو
اعلامیه دو روز متوالی صادر کرد
وقتی که غیر مصدور اولین اعلامیه بار سیدگان
کردیم شاید ستاد ارتش ایندفعه حقایق و
مطالب قانع کننده ای در اعلامیه خود
گنجانیده و در مقابل اصرار جراید پایتخت
ملت واقعی اردو کشی را اعلام میدارند .
متأسفانه پس از این که اعلامیه را
دیدیم معلوم شد از همان تیب اعلامیه های تو
خالی است اخبار پریده پریده سر هم شده کلیات
و عباراتی که محکوم کننده ستاد ارتش است
بصورت حق بیجانی عرضه شده ما اعلامیه
های صادره را تقریبی لیکن هم برابر آقای
که منطقت خوب سنائی واقعی آن را
دریافته و با اظهارات متناقض آن بی برده اند
ولی در عین خودداری ناچاریم تذکری
چند بدهم .

آقای رئیس ستاد ارتش شما نظامیانی
را که بگلوه حشایر در خاک خون قطعه
جان خود را فدای هوسرانی های شایع
مأمورین خود سرتان کرده اند شهید مینامید
بدون این که متوجه باشید استمال کله
شهید چه تأثیر سوئی در مترهای حساس
آنها می که باین مملکت علاقتند خواهد
داشت شما با استمال کله شهید جنگ مسلحانان
بر علیه کفار را مجسم میکنند و نشان
می دهید قوای که شما برای حفظ مملکت
فر اختیار دارید همیشه حده معلوم از
ایرانیان را غیر از خود دانسته و پیوسته چه
در زمان آرامش و چه هنگام جنگ آنرا در عین
ملی و دینی خود خواهند انداخته شما فداییان
اشتباهات خود را شهید مینمایند شاید
برای این است در جهادی که بر علیه
استقلال و عظمت کشوریانوده اند نظامیان
را تشویق کنید .

شامه می شنید که اعلامیه حضرت شاه افراه
والسرن یادگان مریوان و آتشویق فرموده
دادیم .

آقای رئیس ستاد ارتش شما نباید
که استرداد از لحاظ دینی هم شاه را
واجب الاطاعه میدانند و مقام میبوی برای
شاه قائلند شما بی جهت چرا میخواهید
بیه چیز پشت پا بزنید .
آقای رئیس ستاد ارتش شما عبارات
آخر اولین اعلامیه خود را بخوانید
ببینید چه چیزها امضاء کرده اید شما پس از
این که برادر کشی بدست خود راه انداخته اید
میگسوتید چون اینوضع دو منطقه مهم
سرحدی قابل قبول نبود دستور قانع و تلغ
دادیم .

اعلامیه‌ها

اعلامیه‌هایی که ذیلا از نظر خوانندگان میگذرد در باره جنگ‌های اخیر اورامان در مرکز و کردستان صادر شده هر کدام تیپ و نوع مخصوصی است:

۱- اعلامیه اجباری

این اعلامیه از طرف ستاد ارتش در هفت گذشته بر اثر فشار جرایم و برای رفع نگرانیهای مردم صادر گردیده اعلامیه ستاد ارتش

نظر باینکه عده‌ای از ماجرا جوانان کردستان پس از شهریور ۱۳۲۰ بوسائل مختلف مسلح شده و بافتناشات داخلی و زد و خورد‌هایی بین خود و تیره‌های مختلف مبادرت می نمودند بطوریکه امنیت این منطقه مختل و موجبات ناراحتی اهالی آن سامان فراهم شده بود تعیین مرتبه با اهالی مناطق اورامان و میروان کتیاوشفاها اعلام گردید که چون دولت عهده دار حفظ امنیت منطقه میباشد و وسائل کافی برای این منظور دارد لذا اسلحه خود را تحویل مامورین ارتش - شاید ولی در مقابل این اعلام بجای آنکه اسلحه خود را تحویل دهند برعکس از طرف عناصر ماجراجوی آن مناطق جنبشهایی بر ضد دولت مشاهده شد بنا بر این در تاریخ ۲۴ و ۲۵ تیر ماه ۱۳۲۰ بایروی کالی اوستنج بطرف اورامان اعزام و در ۲۱ تیر معادله با تیر اندازی و جلوگیری از شرار در ارتفاعات «بیکل» «داد» «ککش» و «رشتش» گردید.

ولی در نتیجه حمله افراد نیروی شاهنشاهی این کوههای مرتفع و مسطح که در بالای آن سنگ‌های زیاد از طرف شرار تپه شده بود بدست نظامیان افتاد از متولین و مجروحین شرار نش ۹ نفر کشته مانده و بقیه را با خود برده اند و سایرین بکوه غلیبی مرتفع «کرمه» میانه که مشرف بشام کوههای اطراف و مسلط بآبادی و زاب مرکز اهرار میباشد قرار گرفته اند تا بدین مناسب از طرف فرمانده لشکر که شخصا فرماندهی ستون اعزامی را عهده دار میباشد بیروی ستون در ۲۴ تیر ماه بکوه «کوه میانه» حمله نموده و در همان روز به ازدم شهید موفق بصرف قله کوه میروان و پیدا تمام رشته‌های منتهی آن گردیده است.

از متولین شرار ۳۵ نفر در جا مانده و بقیه را شرار با خود برده و مشردین کاملا متواری و پراکنده و بکوههای مرزی که فون الماده صلب المپور و مشجر میباشد پناهنده شدند در این تصادمات مجوسها ششتر از افراد ارتش شهید شده اند. محدود کالی سائنی که تا حال بنظور انجام تمدیات و عملیات ضد

قانونی خود را خدمتگذار قلمدار نموده حتی رتبه انتضاری در زانده امری داشت ولی بواسطه طبیعت ماجراجو و دسپه کاری خویش توانست از خیانت خودداری نماید قبل از سفیده صبح ۲۷ تیر بر سر - کردگی اشرا در میروانی بقرارگاه گردان مستقل میروان که در روز شامپور میباشد بطور ناگهانی و بشکل خیانت آمیز با عده زیادی از هر طرف حمله نمود در نتیجه رزم خونینی که تا غروب سه شنبه ادامه داشت افراد دلاور گردان حلات بی دردی اشرا را دفع و با دادن تلفات (دو نفر شهید و دو زنده فرمجروح) قدرت تفرضی متجاسرین را درهم شکست و اشرا را با تلفات زیادی رانده شدند بطوریکه از طرف آنها اجزانه درخواست شد که برای زخم بندگی مجروحین خود پزشک گردان اعزام شود.

در مقابل این فداکاری افراد و افسران گردان لشکر اقا مورد مرحامه اعلیحضرت سایون شاهنشاهی واقع گردیده و تشویق شده و روز شنبه ۳ تیر ماه پس از بسیاری هوامی اشرا را فقط اطراف دژ شامپور میروان را بنگه ده کالی سانان که مرکز آنان میباشد تحلیه و با نهایت وحشت به کوه های اطراف متواری گردیدند

واضح است که ادامه چنین وضعیت ملوک الطوائفی و غوغو سری در یک منطقه مرزی بسیار مهم و حساس کشور ایران غیر قابل تحمل است لذا از طرف ستاد ارتش دستورات کامل برای قلع و قمع - اشرا و متجاسر و قلع سلاح منطقه صادر و بیروی کالی اعزام شد که هر چه زودتر به این منطقه خاصه داده و امنیت و آسایش اهالی آن منطقه تأمین گردد

رئیس ستاد ارتش - سر لشکر ارتش ۳- اعلامیه تشویقانی در این اعلامیه پشتیبانی مؤثر هواپیمای معرفی شده است اعلامیه ستاد ارتش بیرو اعلامیه مورخه ۲۴ و ۲۵ تیر در

تاریخ ۳۰ تیر ماه یادکن میروان بجهت متقابل پرداخته و اشرا در میروانی را تا مسافت دوری عقب رانده و پراکنده نموده اند و این حمله گردان که از طرف هوا - بیبا پشتیبانی میشد با شرار تلفات زیادی وارد آمد و از تلفات گردان دو نفر شهید شده و در نتیجه گردان مواضع جدید دیگری را تیر که امنیت نظامی ویژه دارد بدست آورده است.

رئیس ستاد ارتش - سر لشکر ارتش

۳- اعلامیه تهدید کننده

در این اعلامیه بیجا کالی که تحت تاثیر واقع شده اند (۱) تهدید گردیده اند. لشکر ۴ کردستان

اخطار

بسیوم ساکنین دژ شامپور و دهات بلوک میروان بدینوسیله اخطار میگردد که طبق اطلاعات حاصله عده اشخاص - منقسم طلب ماجراجو در مدد تحریکاتی برآمده از همان هومی را متوش و بافتناش شایعات بی اساس آنها را از کسب و کار باز داشته اند.

با اعلام باینکه کلیه این شایعات کذب محض و لشکر جز رفاه و آسایش اهالی هیچگونه نظری ندارد با کمال آسودگی و اطمینان برداشت محصول و سایر امور مشغول و باین تحریکات ترتیب اثر نمیده بدیهی است محرکین اصلی و اشخاصی که تحت تاثیر آنها قرار گرفته اند بوقع خود سرگویی خواهند شد.

فرمانده لشکر ۴ کردستان - سر تیپها

۴- اعلامیه جنگی

در این اعلامیه عملیات جنگی با اطلاع سکن کردستان رسیده با این اختلاف که در اینجا فرمانده لشکر خود را از رئیس ستاد ارتش بازا کثرت معرفی کرده بجای کله شهید لنت کشته استعمال نموده است؛ بقیه ۵ صفحه

وقایع آزارات

-۹-

او میگفت . وقتیکه من در راه شیطان (راه بازیک بین قوطیس و بایزد) بگردیدم بایزد رسیدم، نشون در جلو شافزار میکرد عده ای افسر ترك دو کرده با دوربین میدان جنگ را تماشا میکردند یکی از آنها دستها را برزاقو میزد و با تلف می گفت . «خدا یا این چه بدبختی است اینهمه پیاده و سوار نا اینهمه مهمان و توپ و مسلسل در جلو ده نفر کردلنت و گرسه فرار میکنند»

ولی معلوم نمود فرمانده لشکر ترك در گزارش خود تعداد آزاراتی هارا چه میزان نوشته بود این جنگ در میان مردم المانهای بوجود آورده بود که میگفتند در جنگ درین آزاراتی ها سواران سفید پوشی نمایان میشوند که موجب شکست نظامیان میکنند

مهر شده بود آزاراتی ها سراغ هواپسار رفتند ده دوازده نفر مجاهدین که ایوب آقا برادر بیروی حسکی و چند نفر از دست موسی برکی در میان آنها بودند زودتر خود را بحفاظتین هواپسار رسانیده جنگ متوقف کننده‌ای شروع کرده بودند.

وضعیت نظامیان غلیی مساعد بود در همان تپه های متفرق طایسه

زردیک ده دودگان موضع گرفته بودند آزاراتی ها میبایست در اینجا هم تحریبا یک کیلومتر راه صاف را در زیر آتش گلوله های آنها بیبایند . فرزند بیک حسنی وسید رسول برزنجی دومرد جنگی رستم پسنده پشت پهلوی چپ سواران ترك را زیر آتش گلوله گرفته پیاده ها هم مسافت خطرناک را ب سرعت پیسوده مواضع مقدم تر کها را اشغال کردند نظامیان پشت موضع اصلی خود که مستحکم نموده بودند جای گرفتند آن سوار کرد که بیباک در اولین حمله خود را بکالی کورک رسانیده در اینجا نیز خود را بوسط مواضع هر دو طرف رسانیده با استفاده از زاویه میت اسلحه های دشمن در همانجا توقف کرده

فرمانده نظامیان این قسمت چون مقاومت را بی نردیده فرمان عقب نشینی داده خود با سه نفر دیگر سواره گریختند . دیگران خود را با سپسار رسانیده پیاده عقب نشینی میکردند فرزند وسید رسول چون در اتائی تیر اندازی اسپهانشان دور شده بودند بدنبال اسپهان رفته و از آنها هم بشقیب افسران فراری ناخند ولی دیر شده و شکار از دست رفته بود .

صدای تیر دیگر بگوش نرسید سوار بیباک که دودره منتظر فرست برای حمله بود بواسطه و محل اسب ها تاغت غیر از چند نفر متوقف و دو سه نفر زخمی و مقداری اسلحه چیزی بجا نمانده بود. مجاهدین دیگر چون پیاده بودند هنوز باین مواضع خود را رسانیده بودند سوار دیگر منتظر آنان نشد مهیبر را بشکم اسب اشاره کرده خود را بزودگی های دشمن رسانید نظامیان که در حدود قسمت فر بودند با سرعت عقب مینشستند چند

از طبع آقای طبیبی هوشیار (دیر محسوس) کردستانی

ماده تاریخ پایان جنگ

ای دریغ از عرصه گیتی که شد میدان جنگ
 آزمندان باز آهسته دنیا را بگون
 گشت در جنگ سلف دایم ز آلمان منتزع
 بلا شد دالان دایمیک آفت جهان بشر
 داد هینتر بی معایب از ره آز و غسور
 انگلستان و فرانسه کز طریق مسآوری
 بهر تائید لهستان هر دو صف آرا شدند
 جنگ برین آسای هینتر ایترمان آغاز گشت
 بر فرانسه حمله برد آلمان و تادو نکرک تاغت
 کردیکسر روز و داسارک و بازیک و هلند
 تاغت بر یوگسلاوی کلاری و نیز ساخت
 رهبر ایتالیا موسولینی از راه آز
 کشور قلاته و رومانی و بلغار و مجار
 آرهینتر را اروپای مسخر پس تود
 بهر تسخیر سراسر خاک آفریقا و مصر
 دانه رومل سوی مصر و وقت تا العالمین
 مرصه را بر انگلستان تک کرد از هر طرف
 انگلستان مدتی تنها ماند و پسا فتر
 هایت جریبل نام آورد رجم انگلیس
 هینتر از ییکار آمریکا بی آشفته گشت
 کرد ژاپن را همین فرمانروا بر آسیا
 زمین سبب ژاپن بنا حمله کرد و غرقه ساخت
 بر سراسر شرق و سنکا پور و برمه چیره شد
 از طرف هینتر ز راه اشتباه و غیبط داد
 تاخت اندر آب و خاک شوروی چون برق و باد
 راه تا دو آوازه های مسکو و لنین گراد
 لیک مردان دلیر مسکو و لنین گراد
 هینتر از این رهکات در دامه نوزی قه از تاخت
 خواست از قفلازم تازد سوی ایران زمین
 لیک سدره وی گردید استالین گراد
 سیدالشهدای که چندان افشرد اندر نبرد
 تاگی امریکا که چندی بود سرگرم هیچ
 کرد از امریکاروان از راه ایران همچو سیل
 بنگلطرف در پشت ولگا ارتش سرخ دلیر
 چون مجبور گشت کامل با سلاح آمریک
 همچو دریای غروشان موج زدهر سوسپاه
 خود بفرمان سنابن مارشال شوروی
 ارتش هینتر بدم افتاد دامی هولناک
 جیش هینتر را ز خاک شویب و بیگانه براند
 از طرف هینتر آمریکا و جیش انگلیس
 هر دو ارتش را همین فرماندهی از آمریک
 در نشتین حله رومل را از افریقا براند
 پس کشید آن چنگ ایتالیا با ضرب و روزه
 قائم غاشیت را ملی گشت دوران غرور
 داد از کف شهر دم پاکاخ و ایوان (ونیز)
 از کسر در فرانسه جبهه دوم گشود
 زانکه از دریا بپشگی حمله بر عجم دلیر
 الفرض شد در اروپا چیره جیش منفق
 تاختند اندر قفای خصم تا برلن که بود
 لیل خاک پیش از مسوره برلن نامه
 هینتر و باران وی کردند آجیا خود گشتی
 آنکه بر گوی جهان طرح جهانه اری کشید
 گشت هشیار ازین تاریخ ختم این نبرد
 ماده تاریخ :

از سنجند

شکر وامتنان

نورچشی مظهر اقبال بود که به بسیاری های گوناگون مبتلا
 و اذیبت او مایوس بودم خوشبختانه با مراجعه به آقای دکتر هاشم
 خان وکیل قورا برای مدارای جدی اقدام بسط آورد عرض و اتیلوس
 تشخیص داده و چند روز بسیار را از چنگال مرگ رها نمود. با تقدیم عرض
 تشکر و قدر دانی از چنین دکتر تحصیل کرده خدمت لومی او را به
 اهالی محترم کردستان تیریک میگویم .

سر بربر - اقبال بود

آگهی

روزنامه باستان از چهاردهم مرداد باسبک جالب توجهی
 بطور هفتگی منتشر میشود
 نامه ها و اظهارات اشتراک مستقیما بعنوان مدیر پشانی لاله زار
 کوچک مهبران ارسال شود
 مدیر مسئول و سر دبیر روزنامه باستان

سلیمان انوشیروانی

تلگراف روسای عشار

بایه از صحنه ۱

آلات قتاله معدوم ساخته است کلیه ساکنین این دو بلوک از بیم
 جان خانه و زندگی و وطن مالوف ترک و در شامخات جبال هراسان
 مغرور و بلان میباشیم. این ستکار ضحاک روش با این مردم چه سوه
 تعدی دارد استدعا میندائیم با اعزام یک هیئت بازرسی متصف از
 شر این کاترکیش سرافراز و خلاصان فرمائید
 رئیس طایفه حیدری مرزبان محمود کانی سانای رئیس طایفه
 فتحعلی بیگی مرزبان علی وله زیری رئیس طایفه بهرام بیگی اورامان
 عزیزخان زاده محمود زلی رئیس طایفه مصطفی سلطان حسن زبانی
 رئیس طایفه اورامان تمت محمد سلطان سلطان زاده - رئیس طایفه
 حسن سلطان اورامی برزو زاده - رئیس متابع کهنه پوشی مرزبان
 محمد صالح - محمد احمد بالکی - محمد علی بیته - فتح خسرو زاده
 مرزبانی - محمد شریف - عبدالله قلمچی - محمد علی آزاد وار -
 محمود کر آبادی

آگهی حصر وراثت

باز باریخ ۱۳۲۲/۱/۲۲ آقای مرتضی (صفاوردی) شناسنامه
 شماره ۱۲۹۹ طبق تقاضای شماره ۶۸۰ مورخ ۱۳۲۳/۱/۲۳
 باستاند یک برگ گواهینامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهینامه
 حصر وراثت سوده بدین توضیح که مرحوم حاجی علی (صفاوردی) در
 تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگاه همیشه خود فوت
 و حین الفوت ورثه منوئی منحصر بچهار پسر بنام مرتضی صفاوردی
 متقاضی و آقایان هادی صفاوردی شناسنامه شماره ۳۶۶۸۱ و سیف الله
 صفاوردی شناسنامه شماره ۲۵۷ و منوچهر صفاوردی شناسنامه
 شماره ۱۲۹۸ و دو نفر دختر بنام بانوان شوکت حسینی شناسنامه شماره
 ۱۶۱۴۸ و فرح الزمان صفاوردی شناسنامه شماره ۳۸۵۰۸ و یک
 خیال دانی بنام بانو مغزی حسینی شناسنامه شماره ۱۶۱۶ غیر از
 هفت نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب
 سه نوبت متوالی مامور بکبار در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 و روزنامه کوهستان آگهی میشود. گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اول
 آگهی و نبودن مترش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر
 کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت مذکور ابراز
 و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار
 ساقط خواهد بود.
 رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امامی امیری

آقایان محمد حبیبی (برادر علیخان حبیبی) و محمد فاتحی
 که از روسای ایل قیلکوهی و از خدمتگزاران دولت میباشدند چند
 روزی است بطهران وارد شده تا عراض خود را بسمع اولیای
 امور برسانند امبدواریم اولیای امور بشکایت حقه آنان توجه
 مخصوصی مبذول دارند .

چاپخانه وزارت کشاورزی
 تلفن ۴۷۸۷

اردو کشی به اورامان چگونه پیش آمد؟

این استدلال مکارانه را شنیدند چندی سیاسی احترام مقام سلطنت سکوت اختیار نمودند که مدتی بگذرد آنگاه نمویس این شخص علنی گردد.

مردم هم در طی این مدت به اشتباه خود که به وزیر مشاور مراجعه کرده و به وعده‌های او امیدوار شده بودند واقف گشته ولی چه فایده وقت گذشته و نام آنها در لیست سیاه درج شده بود میبایست کلیه فشارها را تسرد امکان تحمل کنند.

در این موقع که مدعی بودند در نتیجه قلع و قمع اشرار و فداکارهای قوای نظامی کردستان از یک پارچه آتش به گلستانی مبدل شده ماطلی سلسله معالمانی که در روزنامه ملر ستاره نگاهشیم تذکر دادیم که فرمانده لشکر کردستان دست به عملیاتی زده است که مقدمه بر اردو کشی دیگری فراهم گردد تا هر وقت مقامش متزلزل شود با تثبیت بدان مقام خود را حفظ کند شاید در آن وقت اشخاصی که نوشته‌های ما را میخوانند حل بر نظریات شخصی می نمودند ولی امروز بیش بینی ما جامه عمل پوشیده پس فرمانده لشکر کردستان برادر کسی را که منظور داشت امروز علم کرده است

بگذریم از اینکه اولیای امور هیچوقت گوش شنوایی ندارند مگر اینکه در آینه می‌شوند نفع شخصی داشته باشند چون در آن موقع نوشته‌های ما برای آسان نفسی شخصی در بر نه است بی اثر مانده.

تغیبه مدال قدری گفته شد عذر وزارت جنگ و ستاد ارتش مدتش گذشت میبایست به وعده خود وفا کنند میبایست قدری افکار عمومی را هم در سر نوشت خودشان دخالت بدهند میبایست به عدم رضایت‌های مردم از هوشند افشار ترتیب اثر بدهند. بخت یاری کرد موضوع خلع سلاح پیش آمده مقامات و روزنامه نگاران در اطراف مسلح شدن ایلات و عشایر اظهار مخالفت میکردند و به دولت فشار می‌آوردند که برای تنویر حکومت مرکزی باید اسلحه را از دست مردم گرفت و فقط در دست قوای نظامی رسمی ملکیتی گذاشت تا اصل ملوک‌الطوایفی از میان برود و خطری متوجه استقلال کشور نباشد از کجبه منظور آنهاست که این فکر را تقییب می‌کردند جای دیگر و محل دیگر بود ولی ستاد ارتش دستور کلی برای خلع سلاح صادر کرد فرمانده لشکر کردستان از این موقعیت استفاده نمود و برای اینکه در این جامه خدمتی نشان دهده که در روزنامه هاهم منسکس خود به مالکین شهری فشار آورد که اسلحه‌هایی را که دولت بعنوان امانت در مقابل رسیده رسمی و در مقابل سبده اینک هیچوقت بر علیه دولت بکار برده نشود بآ نهاداده پس بدنه.

در اینجا لازم است تذکر دهیم که پس از شهریور ۳۲۰ چون اسلحه‌های دولتی بدست اشخاص افتاده بود و در موقعی که مرحوم سرلشکر امین در کردستان با درجه سرتیپی خدمت میکرد قوای کافی برای برقراری امنیت نداشت تعداد زیادی تفنگک به مالکین شهری داد که بدست مباشرین و رعایای معطن خود داده دعوات خود را از هر دزد و راهزن حفظ کنند و عده‌ای از این تنگ‌ها نیز بدست تفنگ‌چیان این مالکین داده شد که بسبب قوای قلیل دولتی امنیت قاطب مضطرب کردستان را برقرار سازند حال چه اشخاصی در رامین خدمت و ملت و مجانی جان خود را نثار وطن کردند بجای خود محفوظ بنابر این این اسلحه‌ها خطری برای ملکیت نداشته بلکه مورد استفاده و کمک قوای نظامی دولتی بود.

سرتیپ هوشند افشار برای اینکه به مالکین شهری فشاری بیاورد و بآنها بپساند که باید به من تسلیم شوید به شکایت متوسل گردید اغضار نامه‌هایی صادر نمود که چند روزه باید کلیه این اسلحه‌ها را تحویل دهید مالکین بیچاره چون حوالی و خشم این عمل را می‌دانستند که قتل و غارت و راهزنی است تلگرافی به ستاد ارتش نموده تقاضای تجدید نظر کردند ما هم با درجه‌های تلگراف نامبرده

هفته گذشته خبر اعزام نیرو به کردستان و اردو کشی به اورامان در جراید منسکس و ستاد ارتش ناچار شد رسماً اعلامیه‌هایی صادر نموده این موضوع را از اختفاء خارج سازد . از آنجا که من آن است اعلامیه‌های نامبرده سوء تفاهم‌هایی در اذهان عمومی ایجاد کرده باشد جریان وقایع کردستان و مدمات این امر را که از سال گذشته آغاز شده ذیلاً نگاهش قضاوت امر را به خوانندگان واگذار مینمائیم .

اعتراضی از طرف وزارت جنگ و ستاد ارتش نشد بنابراین - لوت این دستگاه‌های بر هفت کشور اظهارات نمویی را تأیید می نمود یعنی برهه بر وضع شده که غنای محمد رشید که آتیه آب و تناب داشت چیز قابل اطمینانی نبوده است و نیز ثابت شد که فرمانده لشکر کردستان و همکاران نزدیک او احساسات مردم را در طی تماس‌های خود با آنان جریبه دار نموده‌اند . علاوه بر اظهارات خود در مجلس آقای نمویی گذارش بسیار منطقی در حدود سی صفحه بزرگ ماشین شده راجع به اوضاع عمومی کردستان و عقاید مامورین و راه اصلاح و غیره تهیه و به شاه و نخست وزیر تقدیم داشت . این گذارش هم در پایگانی دوزیر کرد و خاک بر ولده‌های دیگر افتد . الا اثر گردید .

در نتیجه این مسافرت نمویی و این اظهارات معج فرماندهان رشید (۱) که مقامات مرکزی و افعال کرده بودند باز شد بنابراین برای تثبیت مقام متزلزل شده خویش تمهه‌ها کشیدند بهر عنوان سکه میتوانستند بر مردم محسوساً آنهاست که به وزیر مشاور نزدیک شده بودند و روی خوش باوری در دلدل‌های خود را گفته بودند فشار آوردند هر قسم که میتوانستند آنها را که اظهار عدم رضایت از این اوضاع نموده و باشکایت کرده بودند مزاحم شدند در واقع کردستان میدان مبارزه هوشند افشار فرمانده لشکر کردستان و هواخواهان مرکزی از یک طرف و دست ستم‌دیده‌شان و حمایت کنندگان عدل و انصاف از طرف دیگر شد .

در نتیجه عقاید متضمت (۱) اردو کشی به باه فرمانده لشکر کردستان به اخذ مدال نایل گشت اینهم اتومی به دست حامیان او داد که می‌گفتند چون این شخص مدال از شاه گرفته اگر بلافاصله از این پست برکنار شود توهینی به مقام سلطنت است شافل از اینکه خود گذارش دهندگان و آنهاست که کذب را بصورت حقیقت بنظر شاه جلوه داده و تقاضای مدال نموده بودند خود مرتکب جسارت و خطا شده‌اند که مردم ستم‌دیده کردستان که در شاه دوستی آنان تردیدی نیست .

سایندگان کردستان که برای نمویس فرمانده لشکر اقداماتی میکردند چون

را می‌کردیم به چند ماه قبل ، خوانندگان محاطر درند که سکن گذشته تحت عنوان غلغله محمد رشید در کردستان معینات نظامی وارد کشی بوقوع پیوست و جراید به پیوست با اطلاعات خلاف واقعی که با آنها داده میشد به آن شاخو مرگهائی داده حتی بعضی‌ها این عملیات نظامی را بساک کننده و شونده و تابع شهریور ۳۲۰ میدانستند چیزی نگذشت که از طرف دولت آقای نمویی وزیر مشاور وقت برای تحقیق این قضایا به کردستان اعزام گردید و در مراجعت نتیجه مشاهدات و تحقیقات خود را در مجلس با اطلاع سایندگان رسانید و آشکار ساخت که تمام این شایعات ناشی از هوجبی گری بوده و با الصراحه گفت محمد رشید چکنی نکرده و بطور ساده صفتی کرده که بعد در هنگام طب سبشی شهر باه را آتش زده و زد و خوردی هم بین محمد رشید و قوای دولتی درنگرفته است و عملیات مامورین نظامی را که در نواحی کردستان با مردم تماس دارند بطور سربسته اظهار داشت و مسلم شد که حالی کردستان تصیری جز مبین دوستی و علاقه به شاه و دولت ندارند .

وقتی که آقای نمویی به پهران مراجعت نمود چون در محل امید واریهائی ب مردم داده بود که دولت چنین و چنان خواهد کرد و وسایل راحت‌ش را فراهم خواهد ساخت دست متدعیان کوتاه خواهد گشت و مردم خوش باور باین توبده‌های دل‌خوش کنگ امیدوار شدند و گمان کرده واقفا دولتی هست که به داد مردم برسد از این چینه دو شکایت باز شد هر کس بر او ناروایی میرفت فوراً شکایت بلند بالای می‌نمودند و نوشت هم برای جناب آقای وزیر مشاور میفرستاد بیچاره‌گان میکرد در این ملکیت خراب شده کسی به حرف حساسی وزیر مشاور گوش میدهند در این موقع وزیر جنگ هدین آقای زده وزیر جنگ فعلی و رئیس ستاد ارتش هدین آقای سرلشکر ارفع رئیس فعلی ستاد ارتش بودند و وقتی نمویی در مجلس سخن میراند وزیر جنگ نشسته و هنگامیکه نمویس فرمانده لشکر کردستان سرتیپ هوشند افشار از او خواست عذر عده داد که بزودی اقدام کند .

به اظهارات آقای نمویی کوچکترین

گرد و گردستان

«سنة اردلان»

در سال ۱۲۲۵ هجری چنانکه بعد از ذکر میشود، عبدالرحمن پاشای بابان در سلبانیه بر بخش این قرارداد قیام کرد و انقلاب سختی در سلبانیه و اطراف آن تولید نمود و اثر کما و سرحد نشینان - اطراف چنگها کرد و هواره قح و ظفر هستان او بود تا اینکه پس از دو سال حکم دالی در اتمام جنگ کشته شد.

سپس در سال ۱۲۳۱ نیز احمد پاشای بابان برادرزاده عبدالرحمن پاشا طلوع نمود و با ترکها شروع بزد و خورد کرد و تا نواحی بنهادر را تصرف شد. چیزی نشانه بود که قوای ترکیه را در هم بشکند و بنهادر را تصرف کند دست قضا پسیناش زد و بسوی خود ملحق گردید.

باز در سال ۱۲۳۹ طایفه اسکراه زلزا طغیان کردند و تاسوس را تصرف شدند و چند ماه بادولت ترکیه جنگید. سپس بجهت قتل ذخیره و لوازم جنگ عقب نشینند و متفرق گشتند.

سپس در سال ۱۲۴۰ امیر بدر خان که هجده بهار از عمر او گذشته بود، بر قلعه (جزیر و بوتان) والی شد و خنسا در صدد برآمد که امارت خود را استقلال بدهد و از سلطه ترکیه خارج شود و بد سبب شکست کرد از ترک دو چیز است:

اول - عدم اتحاد قوای کرد.

ثوم - نداشتن کارخانه اسلحه سازی بنا بر این امیر نامرد پیش از همه چیز بنام (بغیان کرد) نایبده به طرف فرستاد و تمام روسای اگر ادرا با اتحاد عمومی دعوت نمود.

از آنجا که رؤسای کرد از سیاست - ششون ترکیه دلنگ شده بودند بدون درنگ دعوت امیر را پذیرفتند و داخل هند اتحاد شدند.

از جمله کسانی که داخل آن اتحاد شدند اشخاص زیر هستند:

از روسا، وان معطلی بك و درویش بك و مسعود بك

از روسا: هکاری نوراف بك و قنق

از روسا: خیران خالد بك

واژ روسای موش شریف بك

و ایس عشایر قانس و آچار هم حسین بك جزو هیئت اتحادیه بود.

از علمای اخویز شیخ بوسف که دعوت و تبلیغ را بیست تمام نواحی کردستان را سپرد کرد و در همه جا با مواظ و خطابه های شورانگیز مردم را برای ورود به

خبر جنگ اورا مان و آغاز برادر کشی مجدد احساسات اصلاح طلبان را برانگیخته جراید آزاد بخواه پایتخت با هیجان این اقدام مسئولین امور را تمبیح کردند.

بنام جامعه گرد از عموم کسانی که در بر انداختن این فکر و روش برادر کشی پاماهم عقیده و همقدم بوده اند سمیعانه سیاستگذاری مینمائیم و عموم علاقمندان به کشور را آگاه میسازیم جنگی که اکنون جریان دارد قوامی بر علیه دولت نیست بلکه آتشی است که بر اثر سوء رفتار و سوء سیاست از طرف بحمال دولت بر افروخته شده و اگر عشایر اورا مان و مریوان دست به اسلحه برده اند فقط و فقط برای حفظ جان و مال و ناموس خود میباشد. اطمینان داریم اگر دولت رویه مسالمت آمیز توأم با راهنمایی و علاقه در مناطق مختلفه کردستان نشان دهد اکراد از فدائیان واقعی حفظ عظمت کشور خواهند بود.

ساز جلاخ و سته در و ارومیه را تصرف در آورد بالاخره سپاه پورکی از نظامیان ترک فرستاد که فرماندهی شان پاشا برای سرکوبی امیر بدرخان اعزام گردید. قتله مینه این سپاه قریب صبر پاشا و قتله صبره صبری پاشای از کهن حرب بود.

در نزدیکی ارومیه تلافی تریبون پس آمده پس از جنگ سختی فتح و ظفر نصیب اردوی امیر بدرخان گردید.

مصادف این فتح خبر میرسد که فرمانده میره سپاه کرد - (عزالدین شبر) که از خوشنودان خود امیر بوده ملحق سپاه شکسته ترک شده و با مساعدت قوای ترکیه وارد الجزیره گشته است که مقر امارت امیر بوده است.

استماع این خبر امیر را مضطرب ساخته قوای خود را دو قسست مینماید. یک قسست را در حوالی ارومیه در مقابل قوای ترک که عقب نشسته بودند نگاه میدارد قسست دیگر را با خود برداشته متوجه الجزیره میگردد.

پس از جنگ سختی قوای دشمن الجزیره را تحلیه میکنند و با تلفات زیاد رو بکفر میگذارند.

عزالدین شبر دست از قصد خود نکشیده بانان فراوان جبهه الجزیره بقوای منبزمه جبهه ارومیه ملحق و یکسان خود که در میان سپاه امیر بوده اند پیغام میدهد که امیر کشته شد و قوای ترک الجزیره را تصرف شدند اگر سرپا ملحق بقوای ترک نشوند مورد مسئولیت سفت واقع خواهند شد.

این خبر دست و پای سپاه امیر را سست نموده شبانه متفرق میشوند.

پس از متفرق شدن سپاه امیر در جبهه ارومیه دوباره عزالدین شبر با قوای ترکیه بسراغ امیر میرود.

امیر که از قضیه مستحضر میشود ناچار دوله ارومیه متحصن میگردد و پس از ماه دفاع ذخیره و مهمات جنگی رو بکسی گذاشته ناچار از قتل بیرون جسته خود را سپاه ترک میزند و شکست میخورد

اردو کشی به اورامان چگونه پیش آمد ؟

بنیه از منعه ؟

که با مصای حدهای از امیان و مالکین سندج بود در یکی از شماره های نامه کوهستان وطنی سرفاله ای هواقب وخیم این اقدام را به ستاد ارتش تذکر دادیم چون هواقب خطرناک این اقدام کاملا واضح بود- ستاد ارتش توانست جواب قانع کننده ای بدهد جز اینکه پس از ۳۵ روز مطالعه جواب داد در نامه مفیدی از طرف لشکر کردستان در نظر گرفته شده عمل خلع سلاح همچنان ادامه دارد و تا این تاریخ اتفاق سوئی رخ نداده است در صورتیکه در همان تاریخ که رئیس ستاد ارتش نامه را امضاء نموده بود ما شرح چندین نقل و لغارت را که اتفاق افتاده بود درج کردیم بدیهی است چون این ولایع تکذیب نامه ستاد ارتش بود صلاح نبود که به زودی مبارک شود یا ورنه متعاقب آن به هر شاهه شهای از قتل و غارت هارامی نوشتیم .

فتار و کلای کردستان برای رسیدگی بقضای مشروع مردم زیادتر شد فرمانده لشکر بطهران احضار شد ولی دست هائی از او حایث میکرد و بالاخره پس از ده پانزده روز توقف مجدداً به کردستان مراجعت کرد اگر چه گویا در تهران به او دستور داده بودند باید تغییر رویه دهد معینا در مراجعت بر لجاجت خود افزود

مضحك این است برای اینکه صریحا نشان دهند که دولت حرف مردم و شکایات آنان توجهی ندارد هنگام مراجعت سرتیب هوشنده افشار در روزنامه هسا ضمن اشیا و رسمی داغی کشور نوشتند :

« فرمانده لشکر کردستان که تقاضای خود بطهران آمده بود مجدداً مراجعت نمود . ما معنی این خبر را خوب میفهمیدیم همانطور که حامیان ظلم و ستم با امین عبارت بریش مردم بیچاره کردستان می- خندیدند تپسی تیغ هم بر لبان ما نمودار بود و بر خود سری اولیای مسئولی فکر دولت و بر بیچارگی مردمی حقه دست طبیعت آنان را زایلیده این آب و خاک کرده می اندیشیدیم .

قبل از احضار فرمانده لشکر شکایت مفصلی از حسن بیک رزایی که اکنون اردو کشی بر سر اوست بدقت نامه کوهستان رسید که رو نوشت هائی هم بنصت وزیر و سایر دستگاههای موثر دولتی داشتو منعم غلامه ای از آنرا درج کردیم در این نامه حسن بیک رزایی از تهدیدهای فرمانده لشکر شکایت نموده بود بدیهی است در مراجعت پیروزمندان خود فرمانده لشکر میبایست این متعاسر را گوشمالی دهنده متعاقب مراجعت او بلا هر چند روز یکبار در روزنامه ها تعداد تنگ هائی را که از مالکین گرفته شده بود بحساب خلع سلاح کردستان درج میشد . گویی تمهید داشتند کردستان آرام و ابراز آشوب جلوه دهند

در یکی از شماره های نامه کوهستان تذکر دادیم که اگر گرفتن اسلحه مجاز دولتی را از مالکین شهری بتوان خلع سلاح نماید باید تنگ هائی را که نظامیان پس از مشق بانبار های تنگ تحویل می- دهند خلع سلاح گفت .

کایشه ها می افتاد . هر وقت دولت جدیدی بر سر کار می آمد دستور احضار فرمانده لشکر را صادر میکرد ولی ستاد ارتش بطلی که لابد توضیح خواهد داد در اجرای این دستور خود داری میکرد که اینه می افتاد و سرتیب هوشنده افشار « امپراطور کردستان (۱) » همچنان محکم بر جای خود نشسته بود

در اینجا واقعا از لحاظ ثبات رای و عقیده باید ستاد ارتش آخرین گفت و گویا برای نگاهداری هوشنده افشار نه اقتدار عمومی را اهمیت میداد نه دستور دولت را گوش میکرد ، نه به اعتراضات نظامیان توجهی نمیشد و نه تذکرات مصلحانه ما را می پذیرفت .

مخارج این برد هوشنده افشار در کردستان باشد پدر مردم را در آورد ، معامله آقا و غلام بکنند میبایست باشد (۱) حدهای از روسای عشایر اورامان چندی قبل از رفتاره هوشنده افشار تهدیدات او شکایت نمودند آنها هم با نشان در لیست سیاه ثبت شد و کسی گوش به حرف آنها نداد که معلوم شود اصولا راست میگوشند یا دروغ .

نقشه ستاد ارتش درست ترسیم شده بود (۱) هیچ چیز نمیتوانست آن نقشه را تغییر دهد (۱)

فتار آرتشی ها در نواحی مختلفه کردستان برای خفه کردن احساسات مردم زیادتر میشد بطوریکه در سندج وقتی که پس از مدتها ناپیشی در دیرستان آنجا داده شد مشتین شهر بانی و دژبان ها در بین صفوف تماشاچیان حرکت می کردند و با چو در اینکه ناپیش در شب انجام میگرفت نظامیان محوطه دیرستان را در حالتی که سرتیبه تنگ ها زده بودند مسامحانقت میکردند .

از میان افسران لشکر آنها بیکه کرد بودند و بابا کردها و ملت نموده بودند از کار برکنار می شدند و با بساطن دور دست مانند اهواز و مکران منتقل میگرددند .

غلامه نظار این اقدامات تواتر آور بسیار است بطور کلی میتوان گفت از هر اقدامی که قلب مردم را جریحه دار میکرد و یا آنها را مرفوب و هراسان مینمود و انجامش از قدرت فرمانده لشکر خارج نبود خودداری نمیشه میبایست بر این ناامید کردن مردم بطور کامل ازدولت مرکزی و ایجاد سوء تفاهم های از میان رفتن و بالاخره برای معرفی اینکه اکراد آشوب گر و پانی

هستند و با اینکه موضوع استقلال کرد را کسه اخیرا مورد توجه محاللی شده بحساب اکراد ایرانی منظور ننایند اقدام برجسته ای از طرف فرمانده لشکر جعل آید تا مردم کاملا اطمینان حاصل کنند که خدای کردستان فرمانده لشکر است حاکم بر جان و مال آنها و ست دولت مرکزی اسی بیش نیست و مردم نباید به دولت امیدی داشته داشته باشند .

این مطالب میبایست هلا نشان داده شود . در زندان باز شد بینگهانان بصرف دستور فرمانده لشکر بدون هیچگونه رسیدگی قبلی به آغا راهنمایی شده مدتها زندانی بدون ملاقات مانده تا شاید بتوانند پرونده های تشکیل دهنده و این اشخاص را محکوم نمایند تا دیگران اطمینان یابند که میشود شخص بدون نصیر را به امر فرمانده لشکر زندانی و محکوم نمود تا مردم معنی دمکراسی را بداند دادگاه زمان جنگ به رخ مردم کشیده شد . این مقدمه با موفقیت فرمانده لشکر کردستان تمام شد مردم شهری و مخصوصا عشایر مرزی که از جریان این کارها اطلاع یافتند حساب کار خود را کردند فهمیدند اگر روزی دست طبیعت این راه بهشت را بسوی آنان بکشاید روزی است که باید به استقبال مرص بشنایند .

از پیرو جوان از زن و مرد کسی در کردستان نماند که بر سوعیت فرمانده لشکر واقف نباشد سکوت مرکبار دولت همه را منحصر ساخته بود چه اندیشه هائی بود که در فکر مردم رخنه نکرده بود هیچکس نمی فهمید این دیگر چه معنایی است نامه ای از مسالکت چرا در این دوره که میگویند دیابرای از میان بردن رژیم استبداد میلیون ها جوان به کشتن داده میبارد هاتاقات مالی داده باید دست یکتر مطلق المنان سپرده شود . بیرون همه فریاد مردم باید گوش اولیای مسئول منگنی فرورود چرا سکه ناسیمه حساسی باید لندی هوسرانی یک شخص بشود .

در این گیر و داد و در این موقع که زندانی های بدون ملاقات از گوشه زندان آخرین ناله های خود را با بایس و تله امیدی از جیب دیوار ضخیم آن بگوش همشهریها میرسانیدند اعلامیه بلند بالای فرمانده لشکر کردستان شغاب بحسن بیک رزایی چاپ و منتشر شد

در این اعلامیه بیست فقره جرم برای حسن بیک رزایی معین شده بود که عبارت بودند از ضبط املاک مردم - برداشت عایدی آن ها - خلع سلاح بک استوار - سنازه کسان او - کشته شدن چند نفر و امثال آن و در آخر برای جرم کردن اعلامیه عبارت ذیل هم چاپ شده بود :

« در خانه لشکر در امتثال امر مبارک از انحضرت هبا یون - شاهنشاهی تا آخرین سرحد امکان از خون ریزی و کشتن ایرانیان نادان امتناع و طریقه صالح و حلم را بهر طریقه دیگری ترجیح خواهد داد »

ما در اینجا وارد جزئیات و بیعت و تفسیر اعلامیه موق نسبی شویم فقط از خواستگان بیخبر این مقاله سؤال میکنیم آیا باید نظر گرفتن عنایات سرتیب هوشنده افشار و کیفیت زندان او اگر شما مانند حسن بیک رزایی مخاطب اعلامیه بودید حاضر بتسلیم میشدید ؟

اعلامیه بوسیله هواپسازان آسمان کردستان بر سر سکنه نواحی مختلفه مانند باران رحمت (۱) دیزش کرد . مردم از مضار آن متحضر شدند و روسای عشایر اورامان نه تنها حسن بیک رزایی که هدف او بر فرمانده لشکر بود بلکه جنگلی بافتان حسن بیک رزایی - تلگرافی بنصت وزیر وزارت جنگ ستاد ارتش و غیره مضایره کرده تقاضا نمودند هیشی ملامت دار احرام شود تا وضعات را از نزدیک تحقیق و رسیدگی نماید و اجازه ندهند سرتیب هوشنده افشار که سوه پیش کاملا ثابت است بر یاد و کتی دست بزند .

باین تلگراف ترتیب اثر داده شد یک هفته بعد مجدداً طی تلگراف دیگری همین تقاضا تکرار شد بجای اینکه ترتیب اثر بدهند اردوی اهرامی حلات خود را شروع نمود .

حالی که کار بجای نازک رسیده هیشی اهرام می دارند اگر بیرسیم قبل از حمله و کشت و کشتار چرا هیئت مورد اعتنای مامور نکرده لایه شواهد گفت بهیئت نظامی سردار دلاور (۱) فرمانده منظم لشکر کردستان توهین میشد و بتصمیم واضح این بنگاه افسر رشید (۱) لطمه وارد میامد .

واقعا چشم ملت باین مدارها روشن !

اعلامیه ها

شبه از صفحه ۲

اعلاب

لشکر ۴ کردستان

پیرو اعلامیه مورخه ۲۴/۴/۲۶ باستاندار صوم میرسانه پس از حرکت نیرو حسن زوایی ضمن اشتغال مواضع مهم و مستحکم دشمن و دانه کش، سوکه دل، کره میانه و ارتفاعات لیگل، خاشت سایر یک زادگان را بشورش و نا فرمانی دعوت و بشطور دفع الوقت با نیرو دوم رتبه مکاتب نموده .

دو پاسخ اعلام شده که با در نظر گرفتن ابلاغات و تسایح قبلی ضمن تحویل اسلحه و تسلیم املاک و اسوال منسوبه و با مساعدان آنها و اگذار و جواب مده بان و ادراده کلهای موسمی بدهد ولی آخرین نصیحت نیز در این شخص که سرت مسلهغه و ابکس و و همیش و اطاعت ترجیح میدهد موثر واقع نشده تا که بر دست و اشتغال مواضع متصرفی و سرکوبی اشرار داده شده و در نتیجه در روز ۲۴/۴/۲۶ ارتفاعات مشرف به آبادیهای دانه کنی - رش رش نیگل اشتغال و در روز ۲۴/۴/۲۶ دشته ارتفاعات معروف کره میانه به تصرف نیروی نظامی در آمد و در اثر تصادف دو روز تلفات نیروی نظامی ۶ نفر کشته و ۱۴ نفر مجروح و تلفات اشراری که لاشه آنها بدست آمده ۳۵ نفر اشرار از کلیه مواضع اهتالی ترد و متواری شده اند . تحلیف ادامه خواهد داشت فرمانده لشکر ۴ کردستان - سرتیب هوشند افشار اگر خوانندگان قدری توجه نمایند تصرف کره میانه در اعلامیه ستاد ارتش ۲۴/۴/۲۶ ذکر شده ولی در اعلامیه فرمانده لشکر کردستان ۲۶/۴/۲۶ تبه شده البته این اختلاف ۲ روز ناشی از دوری راه کردستان بطهران میباشد !!

۵ - اعلامیه : « پست فطرت روپاه صفت »

لشکر ۴ کردستان

اعلامیه

پیرو اعلامیه های قبلی بجمو اهالی حاضر نشان می ساید چون لشکر شخص مسعود کانی سامانی را مستون بلوای دو سه روزه اخیر میروان میده اند چنانچه سایر یک زادگان این دست فطرت روپاه صفت و پسرانش را زنده پا کشته تحویل دهنده فظاظ تمییز مجازات عداف خواهند بود بلکه همه گونه مورد تشویق نیز قرار خواهند گرفت فرمانده لشکر ۴ کردستان - سرتیب هوشند افشار

نامه ها و تلگرافات وارده

از سنندج

آقای مدیر محترم نامه کوهستان ، رو نوشت حینا جناب آقای نصرت وزیر ، رو نوشت حینا جناب آقای رئیس مجلس ، رو نوشت حینا جناب آقای وزیر جنگ ، رو نوشت حینا ستاد ارتش رو نوشت حینا ابلاغات رو نوشت حینا ستاره ، رو نوشت حینا کیهان ، انتظار داشتیم که نامه کوهستان از حسن و سایر اشرار و زوایی که پندو بریدند شرور و باغی بوده اند دفاع فرمایند . اگر بشراوت سه ساله اخیر از شهر بیور ۳۲۰ به بد حسن و سایر اشرار و زوایی اطلاع داشتید که چه اندازه رحمت و امانتول ساخته و چه اندازه ملك مالك حسب کرده و رحمت را اذت و متواری ساخته هیچ وقت دفاع نمی فرمودی . ادسی باغی تمام و اطاعت دولت نخواهد کرد . هیچکس باین اوضاع شرارت و باغی گری آنها که باعث بدبختی صد هزار فرد دیگر است راضی نخواهد بود انتظار داریم روز نامه کوهستان هراضی مظلومی بیچارگان را برای امنیت کردستان برهن دولت برساند ، علی الحرف وزیر ، عبدالعصیه کریم اف . احمد سجادی ، محمد رحیمی ، یونس

خیاسی . عید الله بصری . جسی نصری سیف اله ادهم . موفقی . خالقیان . وهاب خالقیان . محمد مردوشی . فردوسی . هرمزبان . مظفر هرمزبان . سعید شاهویسی . محمود فرج اله شاهویسی . محمد شاهویسی . زما هه هرمزبان عید الله سعید گرجی . ابوالقاسم رحمت الله عید الله صدر رحمت الله محمد قانی . محمد سعید متولی . ابراهیم اسمعیل قانی . فتح الله بهرامی . شکر الله توکلی . احمد ترخان آبادی . واقف توسلی . رشید . هدایت وزیر . محمد رفیع احدی .

کوهستان - از خوانندگان محترم

بنام خدا میشود مطالب مندرجه در نامه کوهستان را با دقت بیشتری مطالعه فرمایند این گونه قضایا را ما همیشه از جنبه عمومی در نظر میگیریم و از بلیه اصل کتی دفاع میکنیم نه از شخص

از قازیان

آقای علی حسینی شرحی اظهار ندردانی از نامه کوهستان نگاشته بودند ولی چون آدرس خود را مین نگردند ترانسیم مستتیا با ایشان مکاتبه ننموده اظهار تشکر نایم

از قراری که اطلاع حاصل شده در سوء استفاده هایی که در قسمت غله میفرمایند آمده بپشت آرنیا هم دستی داشته در بارزوری - هائی که بازرسان اقراری نموده اند مدارکی در این باب بدست آمده ولی کوبا از شخص بختدار پرستی نشده است . اوضاع وقت بار سز ایجاب میکند که بر مردم آرنیا بیشتر توجه شود و از این نکات کاربری جلوگیری بعمل آید . انتظار داریم فرماندار کردستان هم در این قسمت توجه مخصوص داشته و اصلاحاتی را که در این موضوع دارند ابلا وزارت کشور گزارش نماید .

از نظرها پنهان نود

سکوت غربی جای هیاهو و عرش توپ و تفنگ های جهشی را گرفته بود فقط صدای پای اسبها بود که این سکوت را در هم میشکست ناله مجروحان گوش مبین اصلی این ناچاه را میفرشاید . دست انتقام پادشاه حله کنندگان بزن و بچه های بیگناه را داده بود شمه هوایسا با روشنائی خود جنگجویان را بدرقه میکرد . بسی که برای کشتن مجاهدین آگری بزر هوایسا نصب شده بود بامدای مهسی ترکیب و فتح و پیروزی آزارتپها را اعلام داشت و مالین انفعال آخسرین برده تارکائی کودک بایان یافت .

اسرا با بوجهه ای که با آنها داده شده بود مرخص شده این دمه استنا آزارتپها لباس نظامیان را در آورده با بیرامن وزیر شلوار سفید پشیر با یزید روانه شان کردند تا مردم بیختم خود میچه قشون کشی و جنگ با اگراد را به بینند .

مثل این بود که صدای جریان آب رودخانه سرحدی این مصرع را از مارش آزارات میخواند .

روژا آزاد سر طفه هلات (آنتاب آزادی پرروی تو طلوع کرد) (آنتاب اشاره بشکل آنتابی است که در روی پرچم ملی کرد کشیده شده بود)

خاک آزاراب هرگز نر هده بود آگری پر ابیت تر بنظر میرسد . فرد زده ان آگری این قسمت از مارش آزارات را زمزمه میگردند .

نفر از آنها برگشته در عقب سر خود سواری را دیده اند که با سرعت با آنها حمله میکند سوار موقع را از دست نداده بدون اینکه مهبت فکر کردن نظامیان بدهد تیری خالی کرده بزبان ترکی فرمانی شبه فرمان اسیران ترک داده امر کرد .

تسلیم دست بالا

سربازان مثل اینکه ما بپیریم شده باشند عووا اطاعت کردند سوار کرد داخل نظامیان شده یک تنیک و یک قطار فشنگ گرفت ویرا در موضعی که آخرین تیر خود را قبل از فرمان تسلیم حالی کرده بوده تیری که در دست داشت حراب شده بود از اسیران دلجویی کرده و حده داد که شب آنها را بپرا کرد خود هودت دهد مجاهدین بیاده که حود را با سب های ترک ما رسانیده حال دیگر سوار بوده از غب و سیدند همگی با هم نزدیک هوایسا رفتند

بدبختانه آزارتپها غلبان نداشته تا از هوایسا استفاده کنند ولی سبتوانستند از مسلههایی که در آن نصب شده بود صرف نظر نایند لذا مسئل ها را بیاده کرده بیرون آوردند و داخل هوایسا را از گیاه خشک پر کردند . فرمانده کرد با احمد حاجی برو حیدری پهلوی هوایسا مامند دیگر جنگجویان راه آزارات را پیش گرفته دور حده این دو نفر چند دقیقه آن عیقل عظیم هوایسا را تگریست برای دفاع بگیاه درون آن آتش افکنده اسب ها را ناخته تا بر نفسی دیگر خود ملحق گردند . بری شب با لهای سپاه و تار یک خود را پروی این تشنگاه گشرد

کردستان و سرلشکر جهانیانی

و خاتم جنگ اورامان بالاخره ستاد ارتش را مجبور نمود که آقای سرلشکر جهانیانی را بکردستان اعزام دارد. ستاد ارتش بالاخره متوجه شد که هر قدر هم بانشاری کند باید در مقابل حرف حساب سر تسلیم فرود آورد. صلح نامه کوهستان گواه است که قبل از کابینه آقای حکیمی در چند ماه پیش گنتیم دولت باید هیتی از مامورین باشراف و صالح بکردستان اعزام دارد تا از نزدیک اوضاع را دیده آنسگاه دولت با پیشهای باز هر تمسبی را که لازم است اتخاذ کند. آرزوی نوشته های ما را خواننده و شاه بالا انداختند ولی امروز اگر تدری نکرکنند و همین سان سطور را از نظر بگذرانند متوجه خواهند شد که بر بی اساس نوشته بودیم (۱) راجع جنگی که فعلا درگیر شده با اصطلاح سرلشکر پروتستیک و غیره است ماموریت آقای سرلشکر جهانیانی حاکی از پیشرفت فوای دولتی است. اخباری که از گوشه و کنار هم می رسند مؤید و خاتم اوضاع است. قطع شدن اعلامیه های ستاد ارتش هم نشانه صحت این اخبار میباشد.

دو یک ماه پیش و تئیکه خبر اعلامیه فرمانده لشکر کردستان را دریافت داشتیم که قصد اردو کشی دارد از آقای وزیر جنگ ملاقاتی نموده تافاضا کردیم قبل از هر کار بوسیله هیئت مورد اطمنانی حقیقت اوضاع را تحقیق کنند بعد تصمیم بگیرند معموماً تدبیر دادیم گنته های عمرو وزیر را که بنفع خود تضاد میکنند ملاک عمل قرار ندهند.

گفتیم شا ایرانی هستند راضی نشوید تفنگ ایرانی بروی ایرانی کشیده شود، بسیاری از قضایا هست که با تدبیر حل میشود در این مورد نباید بشیر بکار برید.

ایشان گفتند در این موضوع بخصوص، قضیه چندان مهم نیست بکنفر مشرد و شرواست میروند و میگیرند جای نگرانی نیست. ما آخرین تذکر خود را دادیم که باین آسان، نگیرید و بیهوده جنگی بیا نکنید قوای ما نباید بر علیه خودمان بکار رود. سیاست ما قلا نه پیش گیرید و از این عشاير برای عظمت کشور استفاده کنید.

این حرفهای ما مانند سایر حرفهای حسابی تاثیر نکرده. وزارت جنگ دروغاب خرگوشی خود خوابهای خوشی میدید دستور سرکوبی اجرا شد، تروخشک باهم سوختند.

تجبه این دستور چه شد، کلیه روسای عشاير اورامان و مریوان با هم متحد شدند و مصمم گشتند تا میتوانستند از خود دفاع کنند.

حال که کار بجای نازکی کشیده وزارت جنگ آقای سرلشکر جهانیانی را مامور بررسی اوضاع کردستان و هلیات نظامیان نموده است.

آقای سرلشکر جهانیانی سوابق یکی داوود و میگویند در امور عشاير وارد هستند و صفاتی برای ایشان قائل میشوند که لازمه چنین ماموریتی است. ولی آیا ایشان خواهند توانست آتش فروخته شده را خاموش کنند، خواهند توانست پیشنهاداتی بدهند که مورد توجه واقع شود و مردم کردستان بیش از این فدای خود مختاریها و قلدریهای فرماندهان و مامورین واقع نکرده؟

ماموریت آقای سرلشکر جهانیانی بسیار آسان نیست. ایشان دوره دارند و باید یکی از این دوره را انتخاب نمایند.

۱- از روی وجدان و شرافت قضایا را تحقیق کنند و آنچه را حقیقت است گزارش دهند و کلیه کسانی را که در اینکار مقصر - تشخیص میدهند در هر مقامی که هستند معرفی نمایند.

از ملا محمد گولی

و کسی ریبی له کورده کان گوری
لغنتی خواله الحده و گوری
گلی کوردی قنبر و بست زبان
بقه ای او سگانه چون خنه تان
چه عشیرت چه اهلی شارستان
له مسو طول و عرضی کردستان
بونه بفسیر و نو سکری ام و او
بازی خلکی این به روز و به شو
له سر او حاله بکتری اکوزن
خوینی بکتر منالی شیرا مزن
حیفه بو لغیرتی صلاح السدین
او گانش بلین ایبه ش کوردین
ح را کی یت بلیم چیه کوردی
ماقلی و چایکی و جوانسری

این اشعار را آقای نافع (شیرزه) از سفر ارسال داشته اند

آگهی

بانک ملی ایران برای اینکه تمام اهالی شهر بتوانند با سرعت و مراجعت خود را انجام دهند علاوه بر شعبه مرکزی و شعبه بازار پازنده باجه دو نقاط مختلف شهر باز کرده است.

این باجه ها عملیات ذیل را مانند بانک مرکز انجام میدهند.

۱- باز کردن حساب جاری .

۲- باز کردن حساب پس انداز .

۳- قبول برات همه شهرستانها و تهران برای وصول .

۴- صدور خواله پستی و تلگرافی همه شعبه ها و نمایندگیها .

بانک ملی ایران دو یک ماهه چهارده شهر ایران شعبه و نمایندگی دارد بانک ملی ایران که يك بنگاه ملی ایرانی است کوشش میکند از هر حیث رضایت مشتریان محترم خود را جابج نماید و از این جهت از عموم آنها تنی میکند چنانچه مختصر عدم رضایتی از هلیات بانک و یا سلوک کارمندان آن داشته باشند مراتب را فوراً بر رئیس شعبه و یا اداره بازرسی کل و اداره مرکزی، شایان فرودوسی اطلاع دهند

در تمام باجه ها و شعبه ها و نمایندگیهای بانک میتوان حساب پس انداز باز کرد .

صندوق پس انداز ملی در هر سال مبلغ صدای برسم جایزه بین دارندگان حساب تقسیم مینماید .

ش ۷۲۰
۱-۲

اعاظ رعایت حال همکاران و حفظ ظاهر. باید بطریق دوم مثبت گردند.

اگر راه اول را انتخاب کنند ملک را از دست نداده و اگر راه دوم را ترجیح دهند همکاران را مقدم شمرده اند

اما جامعه کرد

جامعه کرد بوجوه حقیقت و راستی طلب چیز دیگر نیست. مادرخواست نداریم که

آقای سرلشکر بنفع کردها تضاد نمایند و همچنین انتظار هم نداریم که ایشان حقایق را بیوشانند گویانکه اگر حقیقت هم گفته شود دردستگاه حاکی قلی تاثیر ندارد

حال بینیم آقای سرلشکر جهانیانی از کردستان چه ارفغان خواهد آورد

اگر چنین کردند عموم اهالی کردستان ایشان را بعد برشش دوست خواهند داشت و انتقاری بر انتقاراف شدند خود خواهند افزود. ولی اینکار خیلی آسان نیست زیرا پای اشخاصی بیان خواهد آمد

که آقای سرلشکر را در انتخاب ابتراه دچار ناراضی و تردید خواهد ساخت.

۲- پس از تحقیق و بررسی درصدد برآیند که سرپوشی بروی این قضایا بگذرانند در این صورت نه تنها باس و نه امید بیشتری در مردم کردستان پرورش خواهد یافت بلکه سوابق ایشان هم لکه دار خواهد شد

از اعلاظ - حفظ مصالح کشور آقای سر لشکر باید شن او را انتخاب کنند ولی از